

اعتراضات و مبارزات کارگران، زحمتکشان شهر و روستا، موقعیت جنبش زنان در ایران

اسفند ماه ۱۳۸۱

امیر جواهری

مدافعین کارگران و زحمتکشان ایران، وقوع جنگ امپریالیستی به سرکردگی بوش و تونی بلر و متحدان آنان و آنتشاری لجام گسیخته شبانه‌روزی بر سر مردم بی‌دفاع عراق و کشتار مردم غیرنظامی، کودکان و زنان کوچاندن و آواره ساختن خیل عظیم آنان در سطح منطقه، شاهد و بیگمان همه مسائل را تحت الشعاع خود قرار داده است. درست در چنین وضعیتی است که توجه به مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران از اهمیت بی‌شائبه‌ای برخوردار می‌باشد. زیرا که در این میان، حدت مبارزات آنان در درون مطبوعات جای خود را به گزارشات جنگ و درگیری‌ها و کشتارهای هر روزه می‌دهد. پس لازم می‌نماید به ابعاد این اعتراضات و اعتصابات صورت گرفته توجه نماییم و آنرا در سطح وسیع بازتاب دهیم.

کارگران، تهیدستان شهری و روستایی کشور در جای جای ایران طی اسفند ماه ۱۳۸۱ حول خواسته‌های مطالباتی خویش به دفعات دست به اعتصاب و اعتراض زده‌اند. ۱۷ اسفند هر سال برابر ۸ مارس روز جهانی زن می‌باشد. در ایران به دلیل سرکوب و اختناق علیرغم پایداری زنان طی دو سال اخیر تشکلهای و کانونهای مستقل زنان، توانستند با مقاومت و سازماندهی و ایستادگی خویش، برنامه‌های ویژه این روز را برگزار نمایند.

امسال با تقارن این روز با ایام محرم، زنان به این بهانه پیشاپیش به استقبال آن رفتند. انجام این مراسم در تهران، اصفهان، تبریز و ... بر تم‌های مبارزه با جنگ و علیه جهانی‌شدن سرمایه دور میزد. بعد از ۲۳ سال جنبش زنان در ایران، همچنان پیشگام و آگاهتر از بسیاری مدعیان مدافع حقوق بشر در خارج از کشور سریعتر گام برمی‌دارد. ما در این بررسی به عمده‌ترین این نشست‌ها و سیمینارها اشاره داشته‌ایم. با تمرکز حول ستیز پایهای کارگران در این ماه یعنی تعیین نرخ دستمزدهای سال ۱۳۸۲ که علیرغم بحث و جدل‌های فراوان تا پایان اسفند ماه ۸۱ همچنان لاینحل مانده است. نظر طرفهای درگیر نمایندگان (کارفرمایان - دولت - کارگران) و کارشناسان اقتصادی طرفدار دولت و مدافعین حقوق کارگران را مورد بحث قرار می‌دهیم.

(* دوشنبه ۵ اسفند ۸۱ به دنبال اعتراضات بهمن ماه ۸۱ باردیگر، کارگران آذر شهر ارومیه در برابر اداره کار و امور اجتماعی استان تجمع کردند. آنان ضمن اعتراض به اخراج همکاران خود، خواهان بازگشت فوری همه کارگران کارخانه به کار شدند.

مدیریت کارخانه از مدت‌ها پیش، از جمع ۳۷۰ کارگر کارخانه ۲۰۰ تن از کارگران را از کار اخراج کرد. این اخراج به عنوان «تعدیل نیروی انسانی» و «کاهش هزینه‌های تولید» در پروژه اصلاح ساختار کارخانه توسط کارفرما، صورت گرفت.

تعدادی از کارگران اخراجی، بیش از ده سال در این کارخانه کار کرده‌اند. تعداد دیگری از کارگران بصورت قراردادی به کار مشغول بودند که با اخراجشان، کارفرما و سازمان تامین اجتماعی، هیچگونه تعهدی در قبال آنان از خود نشان نمی‌دهند. کارگران ضمن اعتراضات دوره اخیر به خواست خود که بازگشت کارگران اخراجی به کار هستند، همچنان پای می‌فشارند.

(* چهارشنبه ۷ اسفند ۸۱ کارگران کارخانه نساجی تلال قائم شهر با تجمع در محوطه کارخانه، سپس حرکت بطرف فرمانداری شهر با راهپیمایی و تظاهرات از مسیر ۴ کیلو متری کارخانه و عبور از سطح خیابانهای شهر به طرف فرمانداری، خشم خود را بر علیه کارفرما در برابر عدم پرداخت دستمزدهایشان سر دادند. آنان بیش از سه ماه است که دستمزدی دریافت نداشتند. مردم در طول مسیر با آنها ابراز همدردی میکردند. آنان در برابر فرمانداری، خواهان حضور مسئولین از جمله فرماندار در میان خود شدند تا پاسخگوی نیازهای آنان باشد. در طول ماههای گذشته کارگران صنایع نساجی قائم شهر به دفعات دست به اعتراض و راه پیمایی زده‌اند. جمیع ۲۰۰۰ نفری کارگران کارخانجات نساجی تلال، طبرستان و گونی‌بافی قائم شهر، علاوه بر حقوق معوقه ماههای دی، بهمن و اسفند، عیدی و پاداش و دیگر مزایا و مطالبات خود را خواستار شدند. کارگران ناکارآمدی مدیران، بی توجهی سهامداران در عدم پرداخت بموقع حق و حقوق خود را از معضلات بحران نساجی مازندران اعلام داشتند.

(* در برابر اعتراضات، اظهار نظرات مدیران نیز شنیدنی است. مهندس حمید عربیان، مدیر عامل شرکت البرز در گفتگو با ایسنا به تاریخ ۵ اسفند ۸۱ گفت: «پرداخت وام ارزی به واحدهایی که در پرداخت قبض‌های آب و برق یا دستمزد کارگران خود معطل مانده‌اند همانند یک سم مهلک است. زیرا که واحدهای صنعتی به بهانه خصوصی سازی بین ارگانهای دولتی جایجا میشوند، اکثر این واحدها از یک سازمان دولتی به یک سازمان دولتی دیگر منتقل شده‌اند.» او تصریح کرد: «ما نیاز به کسب اعتماد و رفع نگرانی از سوی دولت نسبت به تشکیل اتحادیه‌های کارگری داریم تا آنها را یک عامل مخل محسوب نکنند.»

(* سه شنبه ۶ اسفند ۸۱ دکتر ناصر میر سیاسی، رئیس انجمن علوم مدیریت ایران در گفتگو با ایسنا گفت: «ضعف مدیریت، خلاء تشکلهای کارگری مستقل را بیشتر نمایان میکند. مساله تشکلهای کارگری در ایران یک پدیده سیاسی تلقی میشود. بنابر این با وجود اینکه در قانون کار ایران تشکلهای کارگری مجاز شناخته شده‌اند و اجازه دارند که به صورت آزاد تشکیل بشوند، اما شرایط سیاسی جامعه تاکنون این اجازه را نداده است که یک تشکل مستقل کارگری شکل بگیرد...» و در ادامه گفت: «اکنون ما نه نماینده کارگری معتبری در (ای.ال.او.) داریم و نه نماینده کارفرمایی معتبری، اما چون توجه (ای.ال.او.) بیشتر معطوف به کارگران است. اگر ما یک تشکل مستقل کارگری داشته باشیم، در سازمان بین‌المللی کار از اعتبار بیشتری برخوردار خواهیم شد.»

(* واحد مرکزی خبر در چهارشنبه ۷ اسفند ۸۱ از قول عنایت الله بیابانی نوشت: «واسطه‌های بزرگ با خرید و احتکار میوه، موجب کمبود و افزایش قیمت مرکبات در کشور شده‌اند. بطوریکه پنج دلال بزرگ میوه با خرید و فروش انحصاری سالانه دو و نیم میلیون تن انواع میوه به طور متوسط ۲۰ میلیون ریال (۲ هزار میلیارد تومان) سود می‌برند.» با اینکه کارگزاران «وزارت بازرگانی» و «اتحادیه تولیدکنندگان مرکبات» بر چنین بازار آشفته‌ای اشرا ف دارند. ۱۰ ساسا خود اطاق بازرگانی در پرواز کردن این نوع واسطه‌گی اختاپوسی که مافیای آفازاده‌ها، آنان را هدایت می‌کند، همواره چشم فرو می‌بندند تا چرخ تجارت مافیایی بگردد.

(* بشارتی رئیس دفتر مناطق محروم در پنجشنبه ۸ اسفند ۸۱ در گفتگو با ایرنا اعلام داشت: «حدود ۳۰ درصد روستاهای سیستان و بلوچستان در محرومیت به سر می‌برند و بقیه آنها از امکانات نسبی برخوردارند، بیشترین روستاهای محروم این استان در منطقه بلوچستان و تعدادی نیز در سیستان وجود دارند.»

(* پنجشنبه ۸ اسفند ۸۱ گروه زنان اسفند به دلیل تقارن ۸ مارس (روز جهانی زن) با محرم، یک هفته زودتر در فرهنگسرای ارسباران برگزار کرد. در این گردهمایی زنان و مردان تو امان شرکت کردند.

هدف این برنامه ضمن گرامیداشت روز جهانی زن «ایجاد صلح، حفظ آن و در نهایت برابری میان همه اعضاء بشریت» ذکر گردید. در این روز برنامه‌های گوناگونی از جمله:

– به یاد زبانی که در گذشته تا به امروز در راه صلح گام برداشته اند، لحظاتی دست زدند.

– تاریخچه نامگذاری ۸ مارس به عنوان روز جهانی زن و یاد کلارا زتکین زن مبارز آلمانی گرامی داشته شد. در این بخش از جانب سخنران عنوان شد: « در ایران باستان هم روز ۵ اسفند، جشنی به نام جشن زن بر گزار میشده است • در این روز که به آن مردگبران گفته میشد • زنان اداره شهر روستا و محل زندگی خود را به عهده می گرفته اند.»

– قرائت پیام دبیر کل سازمان ملل توسط خانم نازی اسکوتی راجع به خشونت علیه زنان قرائت شد.

– نسترن موسوی یکی از زنان گروه اسفند سخنرانی کرد • وی با عنوان: « سرمایه گذاری در تیمار داری بله، در کشتار نه » و افزود « همین که زنان از غصه خوردن در کنج خانه رها شده و به این نتیجه رسیده اند که باید اعتراض نمود، خودگامی به سوی رفع مشکلات است.»

– از دیگر برنامه ها معرفی زنان بر تر بود • در این قسمت خانم ها منیر تقدسی تدوین گر، صفری عبدالهی نقاش حجمی، معصومه سلطانی بلاغی راننده اتوبوس، بتول ایرانمنش صاحب کارگاه پخت سمنو و پرورش دهنده جوانه گندم به معرفی خودویان شرح زندگی شان پرداختند • نکات مشترک میان صحبت های این زنان از این قرار بود: « شرایط دشوار و محدود اجتماعی، تنگناها و البته مخالفت گروه کثیری از مردان و ...

– گروه رقص کردی چرتکه سما برنامه ای از رقص های سنتی کردی را بنمایش گذاشتند • در پایان قطنامه ای قرائت گردید که موارد زیر را شامل میگردد:
۱- اصلاح سن ازدواج.

۲- دریافت حق طلاق و حق حضانت فرزند برای زنان.

۳- اصلاح قوانین مربوط به شهادت و ارث و تعدد زوجات.

۴- رفع تبعیض از قانون بیمه و حق عائله مندی.

* پنجشنبه ۸ اسفند ۸۱ در تبریز به دلیل ماه محرم با روز جهانی زن در یک منزل شخصی تنها با حضور زنان بر گزار شد. در این محفل ویژه زنان برنامه های مختلفی از جمله: سخنرانی، شعر خوانی، ارائه مقالات و قطعات ادبی، اجراء پانتو میم و موسیقی طرح گردید. مقالات ارائه شده با موضوع: خشونت علیه زنان – حقوق زن در قانون اساسی و قانون مدنی ایران – آزار های جنسی و مشکلات زنان بوده است.

اجراء پانتو میمی با عنوان « هویت زن » با هنرمندی سه تن از زنان در نقش زن سفیدپوست، زن آذربایجانی و زن سیاه پوست که سعی در نشان دادن تساوی حقوقی بین زن و مرد از هر نژاد و رنگ داشت • در این برنامه پرسشنامه ای شامل ۵۴ سؤال در شش زمینه شامل: (۱- خشونت علیه زنان ۲ – فقر ۳ – آموزش ۴ – تبعیض در خانواده و جامعه ۵ – بهداشت ۶ – روابط جنسی) بود، در بین شرکت کنندگان توزیع شد تا از نتایج آن در برنامه ریزی سالهای آینده استفاده کنند.

* یکشنبه ۱۱ اسفند ۸۱ صدها تن از کارگران نساجی نختاب فیروزان تبریز و تومات، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها بار دیگر دست به اعتصاب و اعتراض زدند • کارگران نختاب تبریز در خیابانهای اطراف کارخانه دست به راهپیمائی زدند • تعداد زیادی از کارگران تومات در همان محدوده دست از کار کشیدند و به صف کارگران نختاب تبریز پیوستند و با شعار های مشترک روی خواسته های خویش پای کوبیدند.

* دوشنبه ۱۲ اسفند ۸۱ روزنامه ایران گزارش داد: « کارگران شرکت نساجی تجارت در اعتراض به تعویق هشت ماهه عدم دریافت دستمزدهای خود در مقابل شرکت سرمایه گذار، دست به تحصن زدند، تجمع اعتراضی کارگران برای وصول حقوق شان ادامه دارد.»

* دوشنبه ۱۲ اسفند ۸۱ روزنامه اعتماد از قول مهندس محمد صدیقی رئیس سازمان جنگل های و مراتع کشور گزارش داد گ « بر داشتهای غیر مجاز، سالانه تا ۲ میلیون متر مکعب از حجم جنگل های شمال کشور را کاهش میدهد • » وی افزود: « مشکل ما برای حفظ و صیانت از جنگل های کشور، بر داشتهای غیر مجاز است که بر اساس آمار ۴۲ درصد از روستاهای شمال بیشترین بهره برداری غیر مجاز را از جنگل ها انجام میدهند • » مهندس صدیقی دلیل این کار روستائیان را « ناشی از فقر، نداشتن زمین و سنگینی تامین هزینه های کمر شکن زندگی آنان میشارد » که در طول ۲۰ سال حاکمیت سرمایه هر گروه به زحمتکش روستائی فشار میآورد و آنان را در محاسبه خود جای نمیدهند • احیاء جنگل در مرحله اول در گرو تامین زندگی زحمتکش روستائی و جلوگیری موجودیت مافیای قطع و فروش چوبهای صنعتی از جنگلها می باشد • زمانیکه این امور بی پاسخ بماند، حفاظت از جنگل ها بی معنی خواهد بود.

* دوشنبه ۱۲ اسفند ۸۱ روزنامه آفرینش از قول مسئول دفتر نو سازی سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران نوشت: «در حال حاضر ۹۰ درصد از کارگران بخش صنعتی کشور، کم سواد و بی سواد هستند و صرفا ۱۰ درصد از نیروی فعال در شرایط کنونی در بخش صنعت دارای تحصیلات مهندسی و تکنسین هستند.» وی افزود: « نو سازی صنایع نباید صرفا اصلاح ماشین آلات باشد، بلکه باید زمینه برای اصلاح منابع نیروی انسانی نیز بکار گرفته شود.» امری که به لحاظ تامین اجتماعی در جمهوری اسلامی در اساس نا دیده گرفته و آن را در حق زندگی زحمتکشان به هیچ می شمارند.

* چهارشنبه ۱۴ اسفند کارگران دو کارخانه (نختاب و تومات) مجددا از کار دست برداشتند و با راهپیمایی و تظاهرات در منطقه «سیدآباد» اعتراض خود را در سطح خیابانها به نمایش گذاشتند. کارگران شعار میدادند:

حقمان را میخواهیم. مسئولین کارخانه کارخانه با دیدن حشوف منظم و مستحکم کارگران نیروهای ضدشورش را فراخواندند و بلافاصله کمی چندین خودرو نیروهای سرکوبگر وارد صحنه شدند و کارگران را در محاصره خود در آوردند و مورد حمله قرار دادند. تعدادی از کارگران در این تهاجم مجروح گشتند. درگیری و جنگ و گریز تا ساعت ها ادامه داشته، از میزان دستگیری ها گزارش نرسیده است.

* چهارشنبه ۱۴ اسفند ۸۱ کارگران سد کارون در اعتراض به عقب افتادن وصول دستمزدهای خود، دست به اعتراض زدند.

کارگران بیش از ۴ ماه است که حقوق دریافت نکرده و نسبت بدان سخت معترضند • کارفرما در مقابل اعتراض و اعتصاب ضمن تهدید کارگران و با دعوت از نیرو های سرکوبگر برای شکستن اعتصاب توسل جست. در این میان وقتی ایستادگی کارگران را شاهد گردید، از آنان دو روز مهلت خواست، کارگران در مقابل اعلام داشتند: « با فرا رسیدن نوروز ۸۲ به اشکال گوناگون برای وصول دستمزدهای معوقه دست به اعتصاب نا محدود خواهند زد.»

* چهارشنبه ۱۴ اسفند ۸۱ گروه اقتصادی ایسنا از قول وزیر کار و امور اجتماعی صفدر حسینی گزارش میدهد: « تعداد بیکاران کشور ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر است • از این تعداد ۳۰۰ در صد آنها را بیکاران دا رای تحصیلات دانشگاهی و حدود ۹۰ درصد آنها را بیکاران جوانی کار دیپلم و زیر دیپلم تشکیل می دهند.» وزیر کار گفت: « بالاترین نرخ بیکاری مربوط به دانش آموختگان رشته کشاورزی با ۲۰ درصد است و پس از آن، دانش آموختگان رشته های معماری و شهر سازی با ۲۲ درصد و حقوق و علوم قضائی با ۷ – ۱۵ درصد قرار دارند. » وزیر کار برای حل بحران چون همیشه، تامین منافع سرمایه خصوصی را تعیین کننده دانست و گفت: «در کشور یکی از محورهای اساسی ساماندهی اقتصاد، این است که بخش خصوصی از حاشیه به متن بیاید • » معلوم نیست سیستمی که برنامه عملی برای ساماندهی اقتصادی کشور ندارد، چگونه بخش خصوصی، می تواند راه نجات اقتصاد کشور از بحران ها تلقی شود؟

* چهارشنبه ۱۴ اسفند ۸۱ مهندس شامخی معاون طرح و توسعه شهرک های صنعتی در گفتگو با ایرنا میگوید: «حدود ۷۰ درصد از کارگران بخش صنعت کشور، بی سواد و کم سوادند و این موضوع از عوامل عقب ماندگی صنعت در کشور است • » باید از ایشان پرسید: مادامیکه سر دمداران نظام از ریشه کن کردن بی سوادی در کشور صحبت بمان می آورند، چگونه است که ۷۰ درصد کارگران بخش صنعت که نمونه گویائی از کل کارگران کشور محسوب میشوند، بی سواد و کم سوادند؟ راستی مدیران این شرکتها که ثروتهای کلان میلیاردری از قبیل همین برجهای ساختمانی به جیب زده اند تا به امروز، چند کلاس سواد آموزی یا دوره ارتقای سطح دانش برای این کارگران بوجود آورده اند؟ کارگرانی که با همین در صد بی سواد با توان و نیروی بدنی و دستان توانمند خود، این جنابان را فربه تر از پیش ساخته اند و شهرکهای سر به فلک کشیده آنان را از پایه بنا نهاده اند، کدام دانش فنی را از این جماعت فرا گرفته اند که امروز عوامل عقب مانده گی صنعت بیمار و ورشکستگی بحران اقتصادی نظام آنها نیز باید به دوش خود و سفره های خالی شان بنشانند؟ دلایل بحران صنعت عمدتا محصول سیستم سرمایه سالاری و کدخدا منشی ساختاری بنیانهای این نظام حامی سرمایه است که کارگر را نا توانتر از آن چیزی نگهداشته تا سرمایه آدمی خوار را بر سر پا نگهدارد • مهدی شافعی اینرا خوب میدانند، ولی بنفع او و توسعه شهرکهای صنعتی اش نیست که چنین حقیقتی را بر زبان آورد از ایننظر به شکلی وارونه همه چیز را بر سر کارگران میگوید.

* پنجشنبه ۱۵ اسفند ۸۱ روزنامه انتخاب گزارشی از همایش « چالشها و چشم انداز های توسعه » از قول دکتر پور محی آبادی کارشناس امور اقتصاد اجتماعی نوشت: «سطح فقر رو به افزایش است و قیمتهای جاری در جامعه شهری طی ۱۲ سال ۱۳۰ درصد رشد داشته، هزینه های غیر خوراکی در ۱۲ سال اخیر در بین خانواده های شهری از ۵۵ درصد به ۷۱ درصد رسیده است • بطوریکه طی سالهای اخیر مصرف گوشت در کشور از ۳۵ به ۲۱ درصد رسیده و مصرف آرد و غلات افزایش یافته و این نشان دهنده فقر در خانواده های جامعه است » افتخاری یکی دیگر از صاحب نظران مسایل اجتماعی در این گزارش: «۴۰ درصد روستاهای کشور را زیر خط فقر عنوان کرد که این رقم در روستاهای شرق کشور حدود ۶۰ درصد و در روستاهای شمال کشور ۳۰ درصد است! بطوریکه وجود فقر در جوامع روستائی ۲ برابر

جوامع شهری است * بر اساس اطلاعات سالنامه آماری کشور در سال ۷۶ به طور متوسط بیش از ۲۸۳ هزار نفر از متولدین روستا به خارج از محل تولدشان، عمدتاً به شهرها مهاجرت می‌کنند.

(* پنجشنبه ۱۵ اسفند ۸۱ خبرنگار صنفی خبرگزاری ایسنا در گفتگو با محسن ایزدخواه کارشناس روابط کار نوشت: «در حال حاضر حدود ۴۷۵ هزار کارگاه در کشور وجود دارد که شرایط لازم را برای تشکیل شکل کارگری دارند * بررسی‌ها نشان داده است که شکل‌های صنفی کارگری موجود، نمایندگی کمتر از ۱۵ درصد جامعه کارگری را در اختیار دارند.» کارشناس روابط کار اعلام داشت: «بخش اعظمی از جامعه کارگری ایران، شکل صنفی برای دفاع از حقوق خود را ندارند.»

(* پنجشنبه ۱۵ اسفند ۸۱ از جانب انجمن روزنامه نگاران (رزا) نشستی به مناسبت ۸ مارس برابر ۱۷ اسفند (روز جهانی زن) در فرهنگسرای مدرسه اندیشه برگزار شد * در این نشست خانم ناهید توسلی و دکتر کتابون مرزا پور در باره نقش زنان در پیش از تاریخ و در دوران قبل از اسلام سخنرانی کردند * اجرای قطعات پیانو توسط اقلیا پرتو و شعر خوانی بخش دیگری از برنامه‌های این نشست بود.

(* پنجشنبه ۱۵ اسفند ۸۱ به دعوت کانون هستیا اندیش با مشارکت فرهنگسرای دانشجویی به مناسبت روز جهانی زن در پارک شفق، خیابان جمال‌الدین اسدآبادی، سینمایی بر پا گردید. این سینما در باره زن، حقوق انسانی و کنوانسیون رفع تبعیض از زنان با عنوان: «چطور مرا به خاطر نداری؟ منم، مادرت، خواهرت، زنت» از دیگر برنامه‌های این گردهمایی شعرخوانی، بخش فیلم کوتاه با موضوع زن و مناظره بین افراد صاحب نظر در خصوص رفع تبعیض علیه زنان بود.

(* پنجشنبه ۱۵ اسفند ۸۱ به گزارش ایسنا انجمن صنفی روزنامه نگاران یک نشست با عنوان: «اعتراض به برخورد با روزنامه نگاران» برگزار کردند، در این خبر از جانب انجمن آمده است: «نشست یاد شده با توجه به افزایش دامنه‌های محدودیت و تضییع حقوق اهالی مطبوعات و نیز احضار و بازداشت عده‌ای از سینمایی نویسان در روزهای اخیر، بر پا میگردد و ما به دنبال دریافت راهکارهایی برای دستیابی جهت برون رفت از این وضعیت و آزادی روزنامه نگاران هستیم و همواره به این پیگیری ادامه میدهم.»

(* جمعه ۱۶ اسفند ۸۱ از ساعت ۴ تا ۸ شب اعضاء سایت زنان ایران در فرهنگسرای شفق نشستی در رابطه با روز جهانی زن بر پا کردند. برنامه‌های این نشست شامل:

نمایش فیلم کوتاه از تاریخچه فعالیتهای زنان و چگونگی شکل‌گیری ۸ مارس روز جهانی زن. فراهم آوردن تریبون آزاد با موضوع زن خوب، دختر خوب، مادر خوب انتخاب کتاب برگزیده پیرامون مسائل زنان * در این بخش کتاب «هدفها و مبارزات زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی» نوشته محمد حسین خسرو پناه به عنوان بهترین کتاب انتخاب گردید.

— قرائت پیام سایت زنان توسط خانم شادی صدر سردبیر این سایت * وی ضمن بیان این موضوع که هیچ انسانی به جرم زن بودن نباید از خود بودن محروم شود تاکید کرد: «زنان و کودکان همیشه اصیلترین قربانیان جنگ‌ها بوده‌اند، ما ضمن اینکه جنگ در عراق و هر نقطه دیگر دنیا را محکوم میکنیم * خواسته‌های خود را به شکل قطنامه مطالباتی زنان در ۱۲ بند به شکل زیر بازتاب داد:

۱ — پیوستن بی قید و شرط ایران به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض از زنان ۲ — نقد ساختار مردسالار خانواده در حقوق، فرهنگ و در تمامی عرصه‌ها ۳ — داشتن حق طلاق و حضانت فرزندان ۴ — تاسیس خانه‌های امن و تلفن بحران برای زنان خشونت دیده ۵ — رفع تمامی تبعیضهای فرا قانونی ۶ — محکومیت برای مقصران قتل‌های ناموسی ۷ — رفع قانون مربوط به تمکین بی قید و شرط زنان ۸ — لغو قانون مربوط به ریاست مرد بر خانواده ۹ — حذف خشکسبیهایی جنسیت مدار برای ورود زنان به تمامی عرصه‌ها و مناسب مدیریتی ۱۰ — امکانات فرهنگی و ورزشی برای زنان در شهرستان‌ها و حتی روستاهای کشورمان ۱۱ — برابری کامل شغلی برای زنان ۱۲ — ورود روز جهانی زن ۸ مارس به تقویم رسمی جمهوری اسلامی ایران.

در پایان این مراسم فیلمی به نام «مادرا نه تلخ» نمایش داده شد * این فیلم لحظاتی از زندگی زنان را به تصویر میکشد.

(* شنبه ۸ مارس برابر ۱۷ اسفند ۸۱، جمعی از زنان تجمعی به نام «روز همبستگی و پیکار زنان برای حقوق برابر، صلح و عدالت» از جانب مرکز فرهنگی زنان در پارک لا له تهران برگزار کردند.

در این تجمع، زنان پلاکاردهایی با شعارهای: «دمکراسی یعنی صلح نه جنگ»، «اگر خانواده واحد اصلی جامعه است، پس حق برخورداری از حمایت جامعه و دولت را دارد *»، «جنگ و خشونت، زنان و کودکان و محیط زیست را به نابودی میکشاند *»، «پیوستن بدون قید و شرط به کنوانسیون محو تبعیض علیه زنان» و غیره را در دست داشتند *

شیرین عبادی حقوقدان در این تجمع یاد آور شد: «اینکه زنان در صورت داشتن حق حیات خود، حقوق اجتماعی‌شان را کسب خواهند کرد واقعیتی انکارناپذیر است. سخن گفتن از صلح و عدالت هنگامی که جنگ بر سر جهانیان سایه افکنده بسیار سخت است» وی با بیان این پرسش: «این کدام مردانند که می‌جنگند و زنان به واسطه آنها آسیب می‌پذیرند و آنها را در گمنامی میان آواره‌ها پنهان می‌سازند؟» شیرین عبادی ادامه داد: «فرهنگ مردسالار تنها خواست مردان نیست، فرهنگ مردسالار زن‌میوایی است که از زنان به مردان به ارث میرسد بنابر این اگر زنان خود خواهان از بین بردن این فرهنگ نباشند، تغییری در بهبود شرایط خود نخواهند دید.» در این تجمع، اجتماع کنندگان پایان بخشیدن به جنگ و حمایت از زنان و کودکان عراقی، به سکوت واداشتن صاحبان جنگ و خشونت، کمک به قربانیان ایدز، تجاوز و تبعیضات جنسیتی، رفع مشکلات زنان افغان، اصلاح حقوق خانواده، حل معضل طلاق و ... از مسائلی بوده که طرح گردید. (* شنبه ۱۷ اسفند ۸۱ در خانه جوان تبریز به دعوت «جمعیت یاناشی» مراسم روز جهانی زن برگزار شد. این جمعیت که در همین سال توسط نانم‌ها (مریم زرع چاوقی، اکرم خوشوقت و الدوز صادقی) تشکیل شده است در حال حاضر ۷۰ عضو فعال دارد. اهداف آن: (ایجاد رابطه اجتماعی، هنری، فرهنگی مستقل — آگاهی از فعالیتهای زنان سایر کشورها — کشف استعدادهای نهفته آنان و شناخت بیشتر روحیه آنها — بررسی نقش زن در اجتماع و خانه — سیر تاریخی زن و نیازهای جسمی و روانی و خاستگاههای او — بررسی حقوق زنان — سوق دادن بیشتر زنان به سمت فعالیتهای هنری و اجتماعی و همکاری با انجمن‌های شهرهای دیگر کشور) می‌باشد * در مراسم این روز شاعران، نویسندگان و هنرمندان نیز شرکت داشتند * تشریح سیر تاریخی زن در آذربایجان، نقش زن در ادیان مختلف و زندگینامه مادر ترزا از جمله برنامه‌های این روز بود * حضور مردان در این مراسم که گرداننده گان آن را زنان دار، میانسال و دانشجویان تشکیل میدادند، بسیار چشمگیر بوده است.

(* شنبه ۱۷ اسفند ۸۱ ایسنا گزارش داد: «یک شورای ۱۵ نفره به نمایندگی از تمامی دانشجویان دانشگاه هنر اصفهان بعد از یک تحصن ۶۷ روزه برای پیگیری خواسته‌های خود به تهران آمدند» لطیفی یکی از اعضاء شورای پیگیری به خبرنگار ایسنا گفت: «ما ۶۷ روز تحصن و اعتصاب داشتیم ولی در بایکوت خبری کامل باقی ماندیم. ما در ایام تحصن برای اطلاع رسانی به دانشجویان، ابتداء مجله «تحصن» و بعد مجله «انتظار» را منتشر کردیم که بعد از ۱۲ شماره توقیف شد این بار، واحد نشریه با سر دیپرو کادر مشخص به انتشار مجله «فریاد» ادامه میدهد *» لطیفی در این گفتگو: «علت آمدن این شورا به تهران را پیگیری خواسته‌ها و عدم صداقت مسئولان اعلام کرد و ادامه داد ما همواره به این عدم صداقت کارگزاران نظام اعتراض داریم.»

(* یکشنبه ۱۸ اسفند ۸۱ خلیل رفاهی نماینده کارگران بازرخردی شهرداری تهران در گفتگو با خبرنگار صنفی ایسنا گفت: «در آستانه سال جدید، تلاش کارگران برای استیفای حقوق تضییع شده‌شان پس از هشت سال همچنان بی نتیجه بوده است» وی ادامه داد: «۱۵ هزار نفر از کارگران بازرخردی سالهای ۷۱ تا ۷۶ شهرداری تهران که مشمول طرح تعدیل نیرو شدند، بدون میل و به طور غیر اداری از کار بیکار شده‌اند و متأسفانه با وجود اینکه مسئولان وقت قول داده بودند تا بعد از باز خرید شدن با تشکیل شرکتهای بیمانکاری خصوصی و تعاونی دو باره زمینه اشتغال کارگران را فراهم کنند، ولی بعد از هشت سال نه تنها کارگران به کار برنگشته‌اند، بلکه سازمان تامین اجتماعی به استناد این قول از پرداخت بیمه بیکاری به کارگران امتناع می‌کند *» نماینده کارگران شهر داری تصریح کرد: «رسیدگی به شکایت ما در شورای شهر که در مهر ما ۱۳۸۰ با قید یک فوریت به تصویب رسیده بود به دلیل اختلاف بین شورای شهر قبلی با شهرداری وقت تهران به نتیجه نرسید و ... ولی در خواست ما رسیدگی هر چه سریعتر نسبت به تعیین تکلیف ۱۵ هزار نفر از کارگران که در شرایط بسیار سخت معیشتی به سر می‌برند، میباید تا باین مهم اهتمام ورزند.» از همین رو کارگران منتظر اولین نشست شورای جدید شهر تهران هستند که به تازه گی از کیسه ورسکسته انتخابات، بخوان افتضاحات خودشانی بیرون آمده میباشند.

(* یکشنبه ۱۸ اسفند ۸۱ سرویس اقتصادی روزنامه کیهان اطلاع داد: «جلسه شورای عالی کار، برای بحث و بررسی پیرامون تعیین حداقل دستمزد ها روز سه شنبه تشکیل میشود * نمایندگان کارگری، حداقل دستمزد در سال آینده (۱۳۸۲) را با پیشنهاد افزایش ۳۰ درصدی مطرح می‌کنند ولی نمایندگان کارفرمایان حدود ۱۷ درصد را در دستور کار خود دارند *» کیهان نوشته است: «جا دارد نمایندگان دولت، کارفرما و کارگران واقیت‌های موجود و نیازهای کارگران را در این نشست‌ها در نظر بگیرند *» اما در این نوشته کیهان، کوچکترین اشاره‌ای به نیازهای کارگران و واقیت‌های موجود جامعه که (فقر، گرانی، بی مسکنی،

عدم پرداخت بیمه، اعتیاد، طلاق، فحشا، بیکاری فزاینده، بردگی کار کودکان، خروج کارگاه های تولیدی کوچک از شمول قانون کار و عدم دریافت حقوق قهاری معوقه کاری و ... از ضمایم این واقیت ها بوده و است هیچ اشاره ای نمی نماید.

(*) دوشنبه ۱۹ اسفند ۸۱ تعداد زیادی از پرستاران و پرسنل بیمارستان بوعلی تهران با حضور مدیر بیمارستان و مسئول رفاه و حراست بیمارستان در اتاق رئیس بیمارستان تجمع کرده و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. با توجه به بی نتیجه ماندن این حرکت روز بعد نیز پرسنل به اعتراض خود ادامه دادند. از جانب مسئولین به آنها قول رسیدگی به حق و حقوق آنان داده شد.

(*) دوشنبه ۱۹ اسفند ۸۱ به گزارش روزنامه آفرینش از قول مدیر عامل انجمن حمایت از بیماری کلیوی، مصطفی فاسمی در گفتگو با ایسنا: «بیشترین فروشندگان کلیه را قشر جوان و افراد بیکار تشکیل می دهند. آنان از ضرورت و نیاز دست به این اقدام می زنند.» فاسمی گفت: «متأسفانه با توجه به افزایش میزان فقر، بیکاری، تورم برخی از افراد بیکار برای گذراندن زندگی خود در پی فروش اعضاء بدن خود بر می آیند و در مواردی هم اعضاء دیگر خانواده را وادار به اینکار میکنند.» مطبوعات رژیم هراز گاهی به بازتاب تکانهنده فروش کلیه بر می آید. این عمل آن بخش از نیازمندان جامعه را نشان می دهد که از روی استیصال دست به این کار میزنند.

(*) دوشنبه ۱۹ اسفند ۸۱ دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر در اعتراض به سوء مدیریت دانشگاه دست به تحصن زدند. این اعتراض تا روز بعد ادامه داشت و سرانجام به تجمع در برابر ساختمان امور دانشجویی وزارت علوم انجامید. دانشجویان شب را در همان محل به اعتراض سرگردند. در مقابل فشار زیاد دانشجویان سر انجام مسئولین امور دانشجویی قول رسیدگی داده اند.

(*) سه شنبه ۲۰ اسفند ۸۱ بیش از ۲۰۰۰ هزار تن از مزد و حقوق بگیران، بر سر نرخ تعیین دستمزد و در خصوص افزایش مزد سال ۸۲ در باشگاه ورزشی دخیانیات اجتماع کردند. کارگران با طنین شعار: اعتصاب، بجای عدالت، فقر را توسعه ندهید - خواهان استفاده از تمام قدرت تشکیلاتی کارگری برای اصلاح نظام دستمزد ها شدند. بر روی باندول کارگران استان قزوین نوشته شده بود: «حقوق مدیران یک میلیون با تمام امکانات، حقوق کارگران هفتاد هزار تومان» این شعار ها حضور جدی و ضرباهنگ کارگران را بنمایش گذاشت. وقتی زمینه اعتراض بالا میگیرد نماینده مجلس و عضو شورای مرکزی حزب اسلامی کار (سهیلا جلو دار زاده) در برابر سنگینی حضور کارگران اعلام میدارد: « ۹۰ درصد ثروت در اختیار ۱۰ درصد افراد جامعه و ۱۰ درصد باقیه متعلق به ۹۰ درصد افراد جامعه است. باید فقر و گرسنگی بطور عادلانه تقسیم شود. همانطور که باید ثروت و در آمد عادلانه توزیع شود. » باید پرسید: آیا (حزب اسلامی کار) و (مجلس شورای اسلامی) به چنین قولی که ایشان در برابر ۲۰۰۰ کارگر معترض بزبان می آورد، در اساس پایبند است؟ وقتی همان روز خبر گزار ایسنا از قول مرکز پژوهشهای مجلس اعلام میدارد: «قوانین باید به نفع کارفرما، تولید و سرمایه گذاری تغییر کند»، چگونه باید کارگران در برابر سفره خالی خویش به ادعای نماینده مجلس باور کنند؟ در این تجمع اعتراضی خبر رسید که کارفرمایان خواهان ۱۵ تا ۱۶ درصد، دولت ۱۷ درصد و کارگران ۴۰ درصد افزایش را در برابر حقوق سال ۸۱ مطالبه می کنند. در این تجمع اعتراضی یک تن از کارگران گفت: « ما از دولت خواستیم که با متوقف کردن روند خصوصی سازی از بیکاری و اخراج بیشتر کارگران جلوگیری کند. سر انجام اینکه این کشاکش بین کارگران و نمایندگان کار فرمایان و دولت حامی سرمایه همچنان ادامه دارد. »

(*) دوشنبه ۲۰ اسفند ۸۱ خبر گزاری ایسنا در تیریز گزارش می دهد: « کارگران کارخانه آسفالت سازی جهاد کشاورزی مرند تجمع اعتراضی آمیز بر پا کردند. » گزارشگر ایسنا می نویسد: « در پی اقدام مدیریت شرکت وابسته به سازمان جهاد کشاورزی، با دستور عملی تعطیلی کارخانه ۱۲۰ تنی آسفالت جهاد کشاورزی شهرستان مرند و انتقال تاسسات و تجهیزات مکانیکی آن به یکی از شهر های آذربایجان شرقی، صورت میگیرد. متعاقب آن عده بسیاری از اهالی مرند با برگزاری تحصن اعتراضی آمیز و ابراز نظرات مختلف کتبی و شفاهی، مخالفت خود را نسبت به تعطیلی کارخانه آسفالت سازی ابراز می دارند را اعلام کردند.» زیرا که با تعطیلی این کارگاه، موج وسیعی از بیکاری در سطح شهر بیش از آنچه که امروز است بروز خواهد کرد. تجمع اعتراضی آمیز مردم، مؤید ناخوشنودی آنان از تعطیلی و انتقال کارخانه از سطح منطقه، همواره عدم رضایت آنان از بیکاری را نشان میدهد.

(*) چهار شنبه ۲۱ اسفند ۸۱ به مناسبت ۸ مارس (روز جهانی زن) جدا از تهران در اصفهان نیز توسط رسانه (یار دبستانی) با همکاری دانشگاه نشستی بر گزار گردید. بیش از ۴۰۰ نفر از دانشجویان و مردم شهر در این جلسه حضور داشتند. در این نشست به مسله فقر زنانه و تأثیر «جهانی شدن» سرمایه بر موقعیت اقتصادی، اجتماعی زنان و استثمار مضاعف آنان تأکید ویژه شد.

مریم خراسانی از سخنرانان این جلسه با اشاره به نوعی از جهانی شدن که الان مطرح است، گفت: این سیاستهای اقتصادی باعث تشدید فقر و نابرابری ها است. پدیده زنانه شدن فقر یکی از نتایج این سیاست تئولیرالی است. از سوی دیگر از نظر فرهنگی جداسازی جنسی و آپارتاید جنسی بر «جهانی شدن» مبنی بر آزادی زنان، در واقع وضعیت زنان، هم از نظر اقتصادی و هم از نظر آزادیهای اجتماعی و فردی بدتر میشود. زنان از نوعی مناسبات سنتی مرد سالارانه که در خانواده ها و در مناسبات پیشامدرن موجود است رانده شده، قربانی مرد سالاری از نوع دیگری میشود، مرد سالاری مدرن نوع سرمایه داری، در هر دو حالت وضع وخیم است.

در این مراسم امید شمس از شاعران جوان اصفهان در مورد فمینیست های نسل اول و دوم و سوم و « زبان زنانه » مطلبی را ارائه کرد. در پایان مراسم فیلم « روزی که زن شدم » به نویسندگی محسن مخملباف و کارگردانی مرضیه مشکی که برنده ۱۳ جایزه بین المللی فیلم است به نمایش در آمد.

(*) چهار شنبه ۲۱ اسفند ۸۱ جمعی از دانشجویان پرستاری و مامائی دانشگاه علوم پزشکی شیراز در اعتراض به خصوصی سازی کادر پرستاری دست به تحصن زدند. یکی از پرستاران معترض گفت: « چرا باید بعد از گذراندن ۲ ساله زود به صورت ۸۵ روزه در بیمارستان های خصوصی کار کنیم و در آخر هم بدون هیچگونه حقوق و مزایای خاص اخراج گردیم. اگر مسئولین به خواسته های ما جواب درستی ندهند، ما به همراه کلیه پرستاران استان وارد خیابان می شویم. » شعار های پرستاران معترض چنین بود:

استاید، حمایت، حمایت، پزشکیمان، عدالت، عدالت

ریاست دانشگاه؛ حمایت حمایت - پرستار؛ به پا خیز - به پا خیز پزشکیمان - صندلی را رها کن

(*) چهار شنبه ۲۱ اسفند ۸۱ بار دیگر پرستاران و پرسنل بیمارستان بوعلی تهران در مقابل دفتر بیمارستان در اعتراض به عدم توجه به تقاضای آنان دست به تجمع و تحصن زدند. یکی از متحصنین اعلام داشت: « عدم پرداخت حقوق کاری ماهانه از شهریور تا اسفند ماه جاری، عدم پرداخت بن نقدی به مبلغ ۶۰ هزار تومان، عدم پرداخت پاداش آخر سال در بهمن و عدم پرداخت مستمری های سال و حق عائله مندی پرسنل زن این بیمارستان از جمله دلایل تحصن ما می باشد. ما همواره برای وصول این مطالبات تعرض میکنیم و عقب نشینی نمی نمایم.»

(*) در این ماه سر انجام پس از ماهها و هفته ها مقاومت و پایه داری کارگران کارخانه پوشاک جامکو، گزارشگر روزنامه کیهان نوشت: «جامکو که حدود ۳۵ سال پیش تاکنون به تولید و عرضه پوشاک فعالیت داشت، تعطیل و ۲۷۰ نفر کارگر آن نیز بیکار گشتند.» بطور یقین بیش از ۱۰۰۰ تن از افراد خانواده های آنان نیز در آستانه نوروز ۸۲ منتظر سیر شدن شکم های خالی خود و فرزندان شان میباشند. کارگزاران نظام عملا هیچ پاسخی به نیازمندیهای زحمتکشان جامعه در قبال تعطیلی ها و اخراج کارگران از محیط کار را ندارند.

(*) در ۹ اسفند ۸۱ انتخابات شورای شهر و روستا در ایران بر گزار شد. با توجه به شکست کامل سیاسی این انتخابات، رئیس جمهور خاتمی گفت: « این عدم حضور هشدار دهنده بود. » فریبرز رئیس داند اقتصاد دان و کارشناس امور اجتماعی در گفتگو با ایرنا اعلام داشت: «از نظر من این هشدار دهنده نیست بلکه امید بخش است یعنی این که مردم بر سر خواسته هایشان پافشاری میکنند و آگاهند. خواسته های مردم عدالت اجتماعی، یافتن شغل مناسب، رفاه شهری، بر طرف شدن فساد اجتماعی، محیط زیست پاکیزه، رفع آسیب های گسترده مثل مواد مخدر، تأمین مسکن مناسب و ارزان، شهر وند مداری و توسعه پایدار است.» مردم هنوز بر این خواسته ها پای میفشارند و آن را در حرف کسان نمی بینند بلکه با عمل معنی میکنند.

(*) یکشنبه ۲۵ اسفند ۸۱ خبرگزاری کار گزارش میدهد: «کارگران کارخانه سامیکو صنعت همدان به علت عدم پرداخت دستمزدهایشان طی دو روز متوالی دست از کار کشیدند و وضعیت آنان همچنان مهم است. در پی اعتراض کارگران، جلسه ای در استانداری همدان برای حل مشکلات کارگران تشکیل گردید.» گزارشگر ایسنا: «تعداد اعتصاب کنندگان را ۳۶۴ نفر و مجموع حقوق عقب افتاده آنها را ۲۸۰ میلیون تومان ذکر کرد.» چنگیز اصلانی رئیس شورای اسلامی کار همدان در گفتگو با خبرگزاری کار ایران اعلام داشت: « کارگران طی روز اول اتوبان همدان به کرمانشاه را مسدود کردند و در روز دوم نیز در کارخانه سامیکو صنعت همدان دست به تجمع زدند. کارگران تاکنون شرکت را ترک کرده اند و قرار است که ا یام تعطیل نوروژی نیز در کارخانه حضور داشته باشند، زیرا شنیده ها حاکی از آن است که: چنانچه کارگران آنجا را ترک کنند، مدیرانش این شرکت را ورشکست اعلام نموده و شرکت را به طلبکاران آن که (بانک صادرات، سازمان تأمین اجتماعی و اداره دارائی همدان) است، واگذار کنند!! مسئول این کارخانه هم اکنون بدلیل شکایت سایر طلبکاران از وی در زندان به سر میرود.» تظاهر کنندگان در صددند که در صورت عدم دریافت حقوقشان در سال ۸۲، اشکال تعرضی دیگری را در دستور کار خود قرار دهند.

(* یکشنبه ۲۵ اسفند ۸۱ روزنامه کار و کارگر در صفحه اول خود نوشت : « در سال ۸۰ ثروتمندان ۲۱ در صد و افشار کم در آمد ۶-۳ در صد یارانه فرآوردههای نفتی کشور را دریافت کردند»)

(* -دوشنبه ۲۶ اسفند ۸۱ خبرگزاری صنفی کارگری ایسنا طی گزارشی از تجمع اعتراضی نمایندگان صیادان و تعاونیهای صید ماهی کیلکا در مقابل سازمان برنامه و بودجه خبر داده است. این تجمع در اعتراض به عدم رسیدگی مسولان نسبت به رفع مشکلات صیادان و عدم توجه با انجام وعده های داده شده مسولان بود. ابولقاسم مقیمی عضو انجمن صنفی شرکتهای صیادی ماهی کیلکا استان گیلان به خبر نگار ایسنا گفت : « از سال ۱۳۷۴ صید ماهی کیلکا با خطر روبرو بوده و از سال ۷۹ با افزایش رشد شانه دار دریایی که هم سفره ماهی کیلکا است ، نابودی تخم ماهی کیلکارا شدت داده است * این فاجعه ۶ تا ۸ هزار نفر از ماهیگیران که با صید این ماهی در ارتباطند ، زندگی شان را دچار بحران ساخته و بسیاری از آنان بیکار شده اند * از طرفی دوندگی ما صیادان برای پایان بخشیدن به این معضل به جایی نرسیده است * » وی تاکید کرد : « ستاد حوادث غیر مترقبه که موظف به پرداخت خسارات به صیادان بوده است ، در ازا ۱۸۰ میلیارد ریال خسارتی که در سه سال گذشته به صیادان وارد شده است ، تنها ۴۵ میلیارد ریال که مورد تایید شایات بوده ، تقبل کرده است * متأسفانه همین مقدار را هم تاکنون نپرداخته است * از این رو صیادان سه ماه است که هیچ حقوقی دریافت نکرده اند * ما از مسولان تقاضا داریم هر چه سریعتر نسبت به پرداخت خسارت و تامین معیشتی ما صیادان اقدام کنند * » اضافه کرد صیادان ماهی کیلکا بار دیگر در اسفند ماه دست به تظاهرات زدند و حول خواستههای خود پای فشرده شدند *

(* دوشنبه ۲۶ اسفند ۸۱ خبرنگار روزنامه اعتماد گزارش داد : « شرکت آذر شهر ارومیه بیش از ۲۰۰ نفر از کارگران خود را اخراج کرد * دهها نفر از کارگرانی که قرار داد اشتغال شان لغو شده است با تجمع در محوطه اداره کل کار و امور اجتماعی به اخراج خود اعتراض کردند.» گزارشگر مینویسد: «کارگران علت تعدیل نیرو در کارخانها در شهر ارومیه را کاهش هزینه های تولید عنوان میکنند و با صدای بلند بر زبان میاورند که کارخانه با هیچ مشکل خاص اقتصادی روبرو نیست * مدیر عامل شرکت از دادن هر گونه توضیح در باره علت لغو قرار داد کارگران خود که بعضی از آنان سابقه کار ده ساله دارند، خودداری کرد.»

(* یکشنبه ۲۵ اسفند ۸۱ رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی کرمانشاه دست به اعتصاب زدند * رانندگان از مدتها پیش برای گرفتن حقوق ماهیانه و عیدی و پاداش که مبنایست تا ۱۵ اسفند پرداخت میشد با مدیریت شرکت واحد در حال گفتگو بودند * اما بعد از چند هفته معلوم گردید ، مدیریت به خواسته های کارگران پاسخ نمی دهد * از اینرو رانندگان تصمیم به اعتصاب میگیرند. ابتداء همه اتوبوسها در روز یکشنبه در مسیر کرمانشاه به تهران در محلی به نام « میدان لب آب » توقف کرده و خواستار پاسخ مسئولین شرکت واحد نسبت به خواستههای خود شدند * خبر اعتصاب به سرعت در شهر پیچید با بیم خوردن برنامه حرکت اتوبوسها ، تعدادی از ادارات دولتی نیز بحالت تعطیل اعلام نشده در می آیند. بعد از ساعتی استاندار به محل میرسد و خبر میدهد که شرکت واحد حقوق پرداخت نشده را خواهد پرداخت ولی از عیدی و پاداش در این شرایط خبری نیست * رانندگان دیگر بار بر آشفتن و اعلام داشتند: که به اعتصاب ادامه خواهند داد * در مقابل استانداری قول پرداخت عیدی و پاداش را به رانندگان داد، رانندگان نیز گفتند: در صورت بر آورده نشدن این قول و قرارها به اعتراض خود به اشکال دیگری ادامه خواهند داد. (* دوشنبه ۲۶ اسفند ۸۱ خبرگزاری بخش اقتصادی ایسنا گزارش داد : « ۱۴۰ تن از پرسنل شرکت خوراک دام کارون در آستانه اخراج با ارسال نامه ای به محمد خاتمی خواستار جلوگیری از اخراج خود شدند * » کارکنان این شرکت در شهرستان شوشتر در نامه خود مینویسند : « نزدیک ۲۰ سال است که ما پرسنل در بدترین وضعیت ممکن و بویژه در شرایط جنگ ۸ ساله بکار پرداختیم و در زیر فشار حملات هوایی رژیم عراق با کمترین دستمزد کار کرده تا چرخ اقتصاد بگردد * * * این شرکت در خشکسالیها ، پرونده درخشانی را از خود نشان داده است * اکنون مدتی است که مدیریت آن بدنبال تعطیل کردن شرکت است * اکنون سؤال اینجاست : این شرکت اگر مشکلاتی دارد ریشه این مشکل در کجاست ؟ شرکتی که تولید انبوه داشت و بالای ظرفیت اسمی میتواند تولید کند چگونه ورشکست شده است ؟ آیا فقط خوراک دام در منطقه زیان میدهد و یا بقیه شرکتهای نیز چنین وضعیتی دارند ؟ شما هیچ میدانید شرکت هر سال بیش از ۵۰۰۰ هزار تن خوراک به کشورهای حوزه خلیج فارس صادر میکند ؟ ۷۰ تن از کارگران مان طی جنگ به جبهه رفته و بسیجیان فعال و جانباز میشدند.» ما را در یابید و از تعطیلی کارخانه و اخراج مان جلوگیری کنید.

(* دوشنبه ۲۶ اسفند ۸۱ کارگران کارخانه نجات تجارت ، ناسیونال کوه فتح ، رحیم زاده و پارس فاستون تجمعات گسترده اعتراضی داشتند * در این زمینه عبدالرحمن تاج الدین خورانی عضو کمیسیون اجتماعی و نماینده اصفهان در گفتگو با خبرنگار کار ایران از افزایش بحران در بخش کارگری استان اصفهان با وحشت و هراس یاد کرد و گفت : « کارگران کارخانه های تجارت و پارس فاستونی بعد از ماهها اعتراض سرانجام دوشنبه در مقابل استانداری تجمع کردند * کارگران از بلا تکلیفی دو ساله خود به عدم پرداخت ۸ ماه از حقوق حرف میزنند.» کارگران با عصیانیت میگفتند: «اگر دولت مسئولیتی در قبال بالا کشیدن حقوق ما توسط کارفرما ندارد ، پس چکاره است: (تاج الدین ضمن انتقاد از مسئولین و برخورد خشن آنان در برابر کارگران در مدت نزدیک به یک سال گفت : « مدیریت کارخانه تجارت استان با برخورداری از بسیاری از امتیازهای دولتی مانند دریافت چندین میلیارد تومان بیمه بیکاری کارگران ، دریافت چندین میلیون دلار ارز دولتی و همراهی مدیران استان توجه مناسبی به وضعیت اسفناک کارگران نداشتند و خود را عاری از هر گونه پاسخگویی به نیروی ۴۰۰ نفری کارگران می دانستند * » در روز اعتصاب کارگران مقاومت میکردند و نیروی انتظامی ضد شورش وارد صحنه شد و به درگیری و زخمی نمودن و دستگیری کارگران پرداخت * عضو کمیسیون اجتماعی از دستگیری ۶ تا ۸ کارگر و مصدوم شدن تعدادی از آنان در تجمع اعتراضی دوشنبه ۲۶ اسفند خبر داد و اضافه کرد که تعدادی از کارگران نیز بعد از شناسایی ، شب هنگام در منازل خود توسط عوامل انتظامی و اطلاعاتی دستگیر شدند. وی اضافه کرد اگر باز هم به این اعتراضات توجهی نشود * باید منتظر اتفاقات بعدی و اعتصابات و به خیابان آمدن کارگران باشیم.» در زمینه دستگیری ها روز بعد ساگر عضو خانه کارگر اصفهان به گزارشگر کار ایران گفت : «تعداد ۱۲ تن از کارگران روز پیش بازداشت شدند که با قید ضمانت آزاد گردیدند * دادگاه آنها پس از تعطیلات نوروزی تشکیل میشود.»

(* دوشنبه ۲۶ اسفند ۸۱ به دنبال اعتراضات و اعتصابات دی و بهمن ماه معلمان در تهران و نقاط دیگر ، دبیر کل کانون صنفی معلمان ایران محمود بهشتی لنگرودی به خبر نگار ایسنا گفت : « وزیر آموزش و پرورش باید در باره وجود تبعیض بین حقوق و مزایای مدیران کل و روسای سازمان آموزش و پرورش با حقوق و مزایای معلمان ، مطالبات موقوفه فرهنگیان و عدم ارتباط منطقی با آنها و نیز ضعف مدیریتهای تحت امر خویش پاسخی شفاف و قانع کننده ارائه دهد * » بهشتی لنگرودی در خصوص عملکرد وزارتخانه در سال ۸۱ گفت : « متأسفانه عملکرد وزیر آموزش و پرورش نشان داد ، مجموعه مدیریت آن توانائی غلبه بر بحرانها را نداشته و حتی تلاش جدی برای بررسی ریشه ها و علل وقوع بحرانها و نقد عملکرد خود نشان نداده است، بطوریکه برخی معاونت ها و مدیران ارشد آموزش و پرورش ، برنامه ریزانی که به دلیل استفاده از روش آزمایش و خطا ، خسارات سنگین مادی و معنوی به نظام و تربیت کشور وارد کرده اند باید به نمایندگان ملت پاسخ دهند.»

(* سه شنبه ۲۷ اسفند ۸۱ روزنامه کار و کارگر نوشت: «خصوصی شدن بخشی از اتوبوسهای جدید شرکت واحد از یکطرف و بانکها از سوی دیگر در سال ۸۲ صورت میگردد.»

تعیین نرخ دستمزد کارگران و مباحث آن در سال ۸۲:

در این بخش به لحاظ اهمیت آن در مجموع مباحث ماه اسفند ۸۱ ابتداء نقل قولهای گوناگون از جانب همه گروهها در گیر این بحث را می آوریم تا مطلبی از قلم نیافتاده باشد. بعد به بیان نظر خود می پردازیم.

(* سه شنبه ۲۷ اسفند ۸۱ روزنامه کار و کارگر از قول دبیر خانه کارگر مازندران نوشت : «افزایش نرخ ۳۰ درصدی دستمزد، کمترین خواسته کارگران است.»

(* سه شنبه ۲۷ اسفند ۸۱ کارگران جنوب ایران همصدا با سایر کارگران کشور ، خواستار افزایش دستمزد های خویش شدند * علیرزاده رئیس کانون شوراهای اسلامی استان خوزستان طی گفتگوی اعلام کرد : « با توجه به نرخ تورم و بالارفتن قیمت ها ، افزایش کمتر از ۳۰ در صدی حقوق کارگران منصفانه نیست * » وی ضمن اعتراض به نمایندگان کارفرما و دولت افزود: رقمی که از سوی آنها عنوان شده ، بسیار ناچیز است و گویا این حضرات در این جامعه زندگی نمی کنند و با تورم موجود آشنا نیستند * کارگران از انجام تجمع در صورت برخوردارنشدن از حقوق قانونی شان آمادگی نشان میدهند.»

(* سه شنبه ۲۷ اسفند ۸۱ خبرگزاری فارس گزارش کرد: «۴۰ تن از رفتگران منطقه ۱۲ شهر داری تهران در اعتراض به عدم دریافت حقوق خود دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران در برابر شهرداری ناحیه ۱ منطقه جمع شدند.» یک تن از آنان به خبر نگار گفت: «عدم پرداخت سه ماهه حقوق و دستمزد کاری مان وسیله این تجمع گردید.» تجمع کارگران از ساعت ۵ بعد از ظهر تا ۹ شب ادامه داشت. کارگران پاسخی در قبال خواسته های خود نگرفتند.

(* دوشنبه ۲۶ اسفند ۸۱ به گزارش روزنامه اعتماد : « در حالیکه سه روز کاری تا پایان سال ۱۳۸۱ فرصت باقی است ، هنوز نمایندگان گروههای کارگر _ کارفرما و دولت بر سر تعیین میزان حداقل دستمزد به توافق نرسیده اند.» در این گزارش از جانب یک عضو گروه کارگری آمده است : « سالهاست که کارفرمایان از پرداخت حقوق واقعی به کارگران واحدهای صنعتی خودداری میکنند * حقیقت این است که ما کار می کنیم تا فقیر نباشیم * اما متأسفانه همچنان زیر خط فقر زندگی میکنیم.» او گفت : « سازمان مدیریت و برنامه ریزی خط فقر را بیش از ۹۵ هزار تومان اعلام کرده است * حالا معلوم نیست با چه منطقی به کارگران کمتر از خط فقر تعیین شده حقوق میدهند.» کارگر مزبور در ادامه بیان داشت : « تعریف فقر در جوامع دیگر با ایران فرق دارد * چرا که آنها به کسی فقیر می

گویند که کار نکند و محل در آمدی نداشته باشد + اما در کشور ما ، کارگران کار میکنند و همچنان فقیر هستند و در خط مژمن فقر حرکت میکنند.))
(* در نشست شورای عالی کار کرمعلی احمدی نماینده کارفرمایان در گفتگو با خبرگزاری کار ایران گفت : « در جلسه ای که بر گزار شد + هیئت مدیره کارفرمایان با افزایش ۱۶ _ ۱۵در صد دستمزد ها موافقت کرده است و چون اختلاف نظر بسیار زیاد بود ، جلسه بهم خورد.)) احمدی علت مخالفت کارفرمایان با تشکیل جلسه شورای عالی کار را در اختلاف نظر فراوان بین خواسته های دو گروه دانست و گفت: «امکان ندارد ما با افزایش ۲۰ در صدی دستمزدها موافقت کنیم.»

در مقابل قلی شادی بخش نماینده کارگران در شورای عالی کار به خبرنگار کار ایران گفت: «براساس نرخ تورم که بانک مرکزی اعلام کرده و محاسبات ما ، دستمزد کارگران باید ۳۲ در صد افزایش یابد و حالا ما گفته ایم خط مذاکره کارگران ۳۰ در صد است و کمتر از آن به نفع آنهاست.» قلی بخش در ادامه گفت : « اگر حقوقها ۳۲ در صد افزایش پیدا کند. کارگران در همان نقطه ای که سال گذشته بودند، قرار خواهند گرفت یعنی به قدرت خرید آنها چیزی اضافه نمی شود.»
نماینده کار در شورای عالی کار افزود: «در جلسات شورای عالی کار چون دولت یک کارفرمای بزرگ است ، بنابراین به عنوان یک کارفرما از منافع نمایندگان کارفرمایان دفاع می کند ، اما توجهی به این مسئله نمی کند که کارگران بر روی مسائل اقتصادی _ سیاسی و اجتماعی ایران تأثیرگذار هستند، زمانی که کارگران تمام راههای مذاکره در باره افزایش دستمزدها را امتحان کنند و به نتیجه ای نرسند، چاره ای جز اعتصاب ندارند. کاسه صبر و تحمل کارگران سر ریز شده و باید فکری کرد.» وی با توجه به شرایطی که در کشور وجود دارد گفت: «اگر کارفرمایان نتوانند، سه روز با حقوقی که به کارگران می پردازند زندگی کنند ، ما حاضریم یک ماه با آن زندگی کنیم.»

(* حسن صادقی رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کاردر گفتگو اختصاصی با خبرگزاری کار ایران گفت : « حمایت دولت از منافع کارفرمایان باعث مخالفت با افزایش ۳۰ در صدی دستمزد ها شده است + در مذاکرات خصوصی بین نمایندگان کارگر و کارفرما ، دستمزدها تا ۲۶ در صد افزایش یافت + اما به محض در جریان قرار گرفتن دولت با این توافق ، مخالفت کرد و دو باره همان ۱۷ در صد مطرح شد + « حسن صادقی در ادامه گفت : « امروز منافع ملی ایجاب میکند دستمزدها به صورت واقعی پرداخت شود + صبر و توان کارگران سر ریز شده و در حال گذر از خط مرمز است + اگر دستمزدهای واقعی کارگران به آنها پرداخت میشد ، نباید ۷۵ در صد از نیروی کار ما زیر خط فقر زندگی می کردند + « صادقی افزود : « اگر ۷۵ در صد از اقتصاد ایران خصوصی و ۲۵ در صد آن دولتی بود ، کارفرمایان متوجه میشدند که آیا باید از این تفکر خارج شوند؟ نیروی کار گرسنه توان کار و تولید را ندارد.»

(* یکشنبه ۲۵ اسفند ۸۱ سهیلا جلو دار زاده عضو هیئت اجرایی خانه کارگر و نماینده تهران در مجلس اسلامی در گفتگو با خبرنگاری کار ایران اعلام داشت : « اگر آقایانی که مخالف افزایش دستمزدها هستند ، رضایت بدهند که خدمتکار منزلشان با دو برابر دستمزد کارگران بتوانند کار کنند ما هم رضایت می دهیم که کارگران با همین حقوق کمی که میگیرند ، زندگی خود را ادامه دهند + « جلو دارزاده در ادامه گفت : « واقعیت این است که با حقوق ماهیانه ۱۰۰ هزار تومان هم نمی توان یک زندگی محقر را اداره کرد ، حال چگونه باید انتظار داشت که کارگران با افزایش دستمزد کمتر از ۳۰ در صد بتوانند زندگی بخور و نمیر خود را تا پایان ماه اداره کنند. کارگران نباید ناوان بسیاری از ندانم کاریهای برنامه ریزان اقتصادی را پس بدهند...»

(* چهار شنبه ۲۸ اسفند ۸۱ غلامرضا علیزاده یکی از کارشناسان مسائل کارگری و اقتصادی به ایسنا اعلام داشت: «افزایش دستمزد کارگران در جهت توسعه کشور نیست و تأکید کرد اگر افزایش دستمزد بر اساس تولید نباشد ، نه تنها قدرت خرید را افزایش نمی دهد بلکه تنها باعث افزایش نرخ تورم خواهد شد + « وی در ادامه گفت : « تزریق پول عامل رفاه نیست + باید زیر بنای تولیدی تولید را ایجاد و تقویت کرد + من راه رستگاری نیروی کارگر را در افزایش دستمزدها نمی بینم + « باید از این به اصطلاح کارشناس امور اقتصادی پرسید: راه رستگاری سیر کردن شکم خود و خانواده اش را در چه میبیند؟ آیا او هم بمانند گفته امام کارشناسش اقتصاد را مال خر میداند؟

(* چهار شنبه ۲۸ اسفند ۸۱ دکتر فریبرز رئیس دانا اقتصاددان و کارشناس امور اجتماعی و استاد دانشگاه در گفتگوی اختصاصی با خبرنگاری کار ایران گفت : « دستمزد واقعی کارگران باید از ۳۵ تا ۴۰ در حد افزایش یابد + « وی با اشاره به تهدیدهایی که نمایندگان کارگران در شورای عالی کار کرده اند افزود : « آنها باید بدانند که این تهدیدها فایده ای ندارد و باید جلسه مذاکره را ترک کنند. اگر این جلسات سه جانبه است پس باید به کارشناسان طبقه کارگر هم اجازه دهند تا با دلایل علمی ثابت کنند، حقوق کارگران باید بیش از ۳۰ در صد افزایش یابد و اگر مخالف اینکار هستند ، بهتر است که همان دو جانبه بدون حضور کارگران باشد.» دکتر رئیس دانا به مقایسه کارگران ایران و سایر نقاط جهان پرداخت و گفت: «فقر ایرانی فقر ناشی از توزیع ناعادلانه ثروت است + حقوق کارگران به ویژه زنان و کودکان به رسمیت شناخته نشده است. جنبش کارگری ایران ارتباط مستقلى با جنبش کارگری جهانی ندارد، در محلی که بیشترین فریاد دفاع از اسلام سر داده میشود، کودکان با دستمزدهای پائین کار می کنند ، این وضعیت کارگری ماست.» به گفته وی: «چنانچه توا فقی در رابطه با افزایش دستمزدها صورت نگیرد. باید تصمیم گیری نهایی به کارگران واگذار شود و نمایندگان کارگر هم جلسه را ترک کنند.» برخورد رئیس دانا که تا به امروز همواره مخالف خصوصی سازی و سیاستهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول بوده است در این زمینه نزدیکی او به طبقه کارگر را در مقایسه با کارشناس نئو لیبرالی چون علیزاده و دهها جامعه شناس ریز و درشت دیگر که در این ماه حول مسائل کارگری و تعیین دستمزدها اظهار نظر کرده اند ، نشان دهنده این میباشد که برای نجات چرخ دنده زنگار گرفته چنین نظامی، تحلیل گرانی از نوع علیزاده لازم است تا سامانه اقتصاد ورشکسته آنرا تئوریزه نمایند.

به گمانم، همین حد از انعکاس اخبار طرفهای در گیر یعنی (خانه کارگر _ حزب اسلامی کار _ شورای عالی کار _ مجلس اسلامی _ کارفرمایان _ دولت و کارشناس نئولیبرالی چون علیزاده و ...) در برابر خواست کارگران نشان می دهد که بحث بر سر گره ای ترین حلقه مفقوده تعیین میزان حق دستمزدها در آخرین روز های سال در محیط در بسته (کانون شورای های عالی کار) بدون حضور و موجودیت تشکلهای مستقل کارگری و نهادهای صنفی کارگران، مبیاست بی نتیجه باقی بماند.

بحث افزایش تعیین دستمزدها که تا این حد مورد مناقشه کارفرما، دولت و کارگران است، مبیاست از ۶ ماه پیش مورد بحث قرار میگرفت، نه اینکه در آخرین روزهای اداری سال آنرا به این شکل شتاب زده مطرح کنند که تا پایان سال ۸۱ نیز به نتیجه نرسد.

اعترافات خود مقامات حکومت و نمایندگان همین تشکلهای خودساخته رنگارنگ که تا به امروز خط فقر در ایران را ۱۸۰ هزار تومان در ماه اعلام داشته اند و این بدین معنی است که در خنثی ترین محاسبات دولتی و تحلیل عوامل خانه کارگر (علیرضا محبوب) نسبت به تورم و نرخ رشد، دعوی اصلی بر این است که اگر دستمزد کارگران ۳۰۰ درصد افزایش یابد، تازه سطح زندگی کارگر به خط فقر نزدیک میشود. بنابراین پیشنهاد افزایش ۱۷ تا ۳۰ درصدی حتی در آن حدی که شورای عالی کار و شخص حسن صادقی _ که خود دبروز به وسیع ترین شکل کارگران را در سطح کارگاههای زیر ۱۰ نفر در همکاری و مشاورت با وزیر مشارکتی کار و امور اجتماعی ، قصابی کرد_ اگر و چنانچه، چک و چانه زدن هایشان با نمایندگان کارفرما و دولت هم بجایی برسد ، مشکلی از مشکلات کارگران را برطرف نخواهد کرد.

کارگران در تجمعات خود ا فشاء بی چهره گی نظام را باحرفها و شعارهای خود نشان داده اند:
(حقوق مدیران، یک میلیون با تمام امکانات، حقوق کارگران هفتاد هزار تومان)

و یا (بجای عدالت، فقر را توسعه ندهید.) و با کلیت نظام به رودروئی برخاسته اند. در سال جدید نیز در برابر عدم تعطیلی کارخانجات ، خصوصی سازی ها و جلوگیری از اخراج کارگران و تأمین تمامی مطالبات خویش از جمله: تعیین حداقل دستمزدها، با کل نظام به ستیز برخوانند خاست.

اعتراضات، اعتراضات و عبور از به اصطلاح «خط قرمزها» که کارگزاران نظام ترسیم کرده اند، تنها با فراهم آمدن تشکلهای مستقل کارگری و زنجیره اعتراضات سیاسی در پیوند با مبارزات زحمتکشان و تهیدستان شهر و روستا، ارتش میلیونی بیکاران، جنبش معلمان، پرستاران، زنان و مادران اعدامیان و زندانیان سیاسی و سلسله مبارزات دانشجویان مترقی و روشنفکران ترقیخواه و اقلیتهای ملی و مذهبی در سراسر ایران و گره خوردن با جنبش اعماق خود را نشان خواهد داد. پس وظیفه ماست که در همگامی با این جنبش در خارج از کشور به هر طریق ممکن همراه گردیم و برای پرآوازه تر ساختن صدای اعتراضات شان با متحدین طبقاتی آنان در آستانه فرارسیدن اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگران در سطح وسیع اتحادیه ها، سندیکاها، محافل، مجامع کارگری و روشنفکری در هر کجای جهان از هر راهکار بایسته ای بهره گیریم، چنین و چنین تر باد.